

بنام خداوند بخشنده مهربان
با توکل بخداوند انشاالله

" و همین گونه ما روح خود را بفرمان خویش برای وحی بتو فرستادیم و از ان پیش که وحی رسد نه دانستی کتاب خدا چیست و نه فهم کردی که راه ایمان و شرع کدام است ولیکن ما ان کتاب و شرع را نور گردانیدیم که هر کس از بندگان خود را بخواهیم بان نور هدایت میکنیم و اینک تو خلق را براه راست هدایت خواهی کرد(۵۲)

سوره مبارکه الزخرف.

"و شما در زمین هیچ قدرتی ندارید و از کوچکترین قوای جهان زبون و عاجزیدو غیر خدا در عالم هیچ یار و یآوری نخواهید داشت(۳۱)

سوره مبارکه الشوری

"ان مردم هیچ تو را از اراده خدا بی نیاز نکنند و ستمکاران عالم در ظلم و ستم دوستدار و مدد کار یکدیگرند و خدا دوستدار متقیان است.(۱۹)

سوره مبارکه الجاثیة

طی روزهای اخیر مطالبی در مورد اینکه " کسی را بزور به بهشت نمی‌بریم" و شاید در واکنش به ان هم این مطلب که " وظیفه حکومت دینی صاف کردن جاده بهشت است" مطرح شد. بر همین اساس مواردی به ذهن نگارنده رسید که با توکل بخداوند در این نوشته و با هدف قرار گرفتن در معرض نقد و اخذ راهنمایی عرضه میکنم. امید دارم با توکل بخداوند در این نوشته‌ها فکر کرده و اگر صحیح باشد با مشورت ان را تکامل بخشیم و اگر اشتباه ، ان را تصحیح کنیم تا شاید از این رهگذر به حقیقت نزدیکتر شویم چراکه حضرت عیسی(ص) پیامبر خداوند می‌فرماید: حقیقت را پیدا کنید و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد.در هر صورت قضاوت تنها با خداست. در اینجا تنها قصد پیدا کردن حقیقت و بخداوند نزدیکتر شدن است.

با توکل بخداوند خود را در نظر می‌گیرم . بشکر خداوند اولویت اهداف من از لطف و فرصتی که افریدگار با خلقت در این جهان به من عطا فرموده، تقرب به درگاه افریدگار است. خداوند در قران کریم سوره الواقعة می‌فرماید : " و طایفه سوم انانکه در ایمان بر همه پیشی گرفتند(۱۰) آنان بحقیقت مقربان درگاهند(۱۱) انان در بهشت پر نعمت جاودانی متنعمند(۱۲)انها جمعی بسیار از اُمم پیشینیان هستند(۱۳) و عده قلیلی از متاخران(۱۴).

هدف بعدی این است که از متقیان باشم و درجه تقوا، خود را با توکل بخداوند به حد کامل برسانم. خداوند در قران کریم سوره حجرات آیه ۱۳ می‌فرماید:"ای مردم ما همه شما را از مرد و زنی افریدیم انگاه شعبه های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. بزرگترین شما نزد خدا با تقوا ترین مردم اند و خدا از حال شما کاملا آگاه است"

هدف دیگر ان است که از یاران خدا باشم. خداوند در قران کریم در سوره محمد(ص) می‌فرماید" ای اهل ایمان شما اگر خدا را یاری کنید خدا هم شما را یاری کندو ثابت قدم گرداند". و خداوند در قران کریم سوره الصف می‌فرماید:" ای اهل ایمان شما هم یاران خدا باشیدچنانکه عیسی ابن مریم بحوارین گفت که مرا برای خدا یاری کنید انها گفتند ما یاران خداییم باز طایفه ای از بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و طایفه ای کافر شدند ما هم انانکه ایمان آوردند مؤید و منصور گردانیدیم تا بر دشمنان ظفر یافتند.(۱۴).

هدف بعدی این است که دین خود را برای خدا خالص کنم و به غیر خداوند به کسی و یا چیزی توجه و تکیه نداشته باشم . شاکر نعمات خداوند باشم و نه اینکه روی انها تکیه کنم. خداوند در قران مجید سوره عنکبوت آیه ۴۱ می‌فرماید:" مثل حال انانکه غیر خدا را به دوستی برگرفتند،حکایت خانه‌ای است که عنکبوت بنیاد کند و اگر بدانید که سست ترین خانه ها خانه عنکبوت است."

خداوند در سوره مبارکه عافر آیه ۱۴ میفرماید: " پس خدا را با اخلاص بخوانید که دین خالص هر چند کافران نخواهند مخصوص خداست"

دیگر هدف من امید داشتن در زندگی به بخاوند است و سعی دارم امیدم برحمت بی نهایت او کامل باشد. خداوند در سوره اسرا آیه ۵۷ میفرماید: " ان هایی را که کافران بخدایی میخوانند، انها خود بدرگاه خداوند وسیله تقرب میجویند، و هر که مقربتر باشد، بیشتر امیدوار به رحمت و ترسان از عذاب اوست، که البته از عذاب خدا باید سخت هراسان بود"

بشکر خداوند هدف بعدی من این است که از نیکوکاران باشم . خداوند در سوره بقره آیه ۱۷۷ میفرماید: " نیکو کاری بدان نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید چه این چیز بی اثری است. لیکن نیکوکار کسی است که به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب اسمانی و پیغمبران ایمان آورد و دارای خود را در راه دوستی خدا بخویشاوندان و یتیمان و فقیران و رهگذران و گدایان بدهد و هم خود را در ازاد کردن بندگان صرف کند و نماز بپا دارد و زکات مال به مستحق برساند و با هر که عهد بسته به موقع خود وفا کند و در کار زار و سختی ها صبور و شکیب باشد و بوقت رنج و تعب صبر پیشه کند کسانیکه بدین اوصاف ارسته اند انها بحقیقت راستگویان و انها پرهیزکارانند ". خداوند در قران کریم سوره زمر آیه ۱۰ میفرماید: " ای رسول ما بگو به امت ای بندگان که بخدا ایمان آوردهاید خدا ترس و پرهیز کار باشید که هر کس متقی و نیکوکار است در دنیا نصیبش نیکویی و خوشی است و زمین خدا بسیار پهناور است که خدا صابران را به حد کامل و بدون حساب پاداش خواهد داد". هدف من این است که با توکل به خداوند و در پناه و حفاظت خداوند هر تصمیمی را که خداوند قدرت تشخیص و ازادی اتخاذ انرا بمن عطا کرده را با توجه به اینکه آخرت بر این دنیا اولویت دارد بگیرم. خداوند در قران مجید سوره ابراهیم(ص) آیه ۳ میفرماید: " کافران یعنی انانکه زندگی دنیا را بر آخرت مقدم و محبوب تر دارند و خلق را از راه خدا برگردانند و ان راه راست را به شك و شبهات کج کنند انان در گمراهی و بسیار دورند."

هدف من نقشی در اتحاد و یکپارچگی بندگان خداوند در چهار چوب تعالیم الهی می باشد. فکر می کنم به بیشتر اهداف اصلی خود در اینجا اشاره کرده باشم و به اهداف فرعی و جزئی خود در این نوشته نمی پردازم

خداوند ما را خلق و قدرت تشخیص میان خوب و بد را عطا فرموده است و واجب نموده است که در چهار چوب رضایت او وجود داشته باشیم. حق باشیم ، حق ببینیم ، حق بیاندیشیم ، حق سخن بگوئیم و حق عمل کنیم. گرفتن این تصمیمات را خداوند در چهار چوب تعالیم خود به ما واگذار نموده و انسانها را مسئول فکر سخن و عمل خویش قرار داده. بر همین اساس باید برای رسیدن به اهداف ذکر شده تصمیم بگیریم، چه در انتخاب این اهداف و چه در چگونگی رسیدن به این اهداف. باید این تصمیمات در کمال ازادی گرفته شود و فراموش نکنیم که بر اساس ان خداوند کارنامه ما را در روز قیامت رقم خواهد زد که نتیجه ان رفتن به بهشت و جهنم است . و درجات بهشت و جهنم بسیار فرا تر از درجات دنیایی است. حال کسی حق ندارد این ازادی انتخاب را که خداوند به بنده خویش مرحمت فرموده را گرفته و تصمیم خود را تحمیل کند. اگر چنین کند ان فرد ظالم است زیرا حقی که خداوند بر بنده عطا فرموده را سلب کرده است. ما نیز اجازه تحمیل عقائد خود بدیگران را نداریم و اگر چنین کنیم ظالم بوده و جاده جهنم را بر خود صاف کرده ایم. هر کس خود باید انتخاب کند و بر اساس ان پاداش از خداوند بستاند. اگر دیگری این حق را برای خود قائل شود در نظام افرینش دخالتی ناعادلانه کرده است. خوب بکنیم بخود کرده ایم، بد بکنیم بخود کرده ایم. ما فقط مسئول عمل خود هستیم ، در حد توانایی که خداوند بما عطا فرموده مسئولیم و تنها بخاوند مسئولیم. خداوند در سوره جائیه آیه (۱۵) میفرماید: " هر کس کار نیک کند به نفع خود و هر که بد کند بزبان خویش کرده است انگاه بسوی خدای خود باز میگردید". خداوند در سوره بقره آیه (۲۸۶) میفرماید: " خدا هیچ کس را تکلیف نکند مگر بقدر توانایی او ، نیکی های هر

شخص به سود خود او و بدی‌هایش نیز به‌زیان خود اوست ، بار پروردگارا ما را بر آنچه بفراموشی یا خطا کرده ایم مواخذه مکن، بار پروردگارا تکلیف گران و طاقت‌فرسا چنانکه بر پیشینیان نهادی بر ما مگذار، بار پروردگارا بار تکلیفی فوق طاقت ما بدوش منه و بیامرز و ببخش گناه ما را و بر ما رحمت فرما تنها سلطان ما و یار و یاور ما تویی، ما را بر گروه کافران یاری فرما".

انشاءالله اقایانی که خواستار صاف کردن جاده بهشت برای دیگران هستند خود را رهنمون جهنم نکنند. تنها خداوند حافظ و ما بندگان همه محتاجیم. خداوند در سوره اسرا به حضرت محمد(ص) می‌فرماید: " نزدیک بود که تو را فریب داده و از آنچه بتو وحی کردیم غافل شوی و چیز دیگر بر ما فرا بندی تا مشرکان تو را دوست خود گیرند(۷۳) و اگر ما ترا ثابت قدم نمی‌گردانیدیم نزدیک بود که به ان مشرکان آندکه تمایل و اعتمادی پیدا کنی(۷۴) و در انصورت به تو جزاء این عمل را می‌چشاندیم و عذاب ترا در حیات دنیا و در آخرت مضاعف می‌گردانیدیم و انگاه از قهر و خشم ما بر خود هیچ یآوری نمیافتی" من در مقام قضاوت نیستم ولیکن رسیدن بدرجه تکامل و تقوای رسول خدا را کار انسانی نمی‌دانم. با توکل و بلطف خداوند بندگان خداوند در چهار چوب آفرینش او می‌باید تصمیمات خود را بر اساس ایمان، علم، فکر، فهم، تجربه‌ای که خداوند عطا فرموده با مشورت و در کمال ازادی بگیرند و خود نیز در درگاه حضرت حق مسئول ان هستند. هیچ کس بار عمل دیگری را بدوش نمی‌کشد. خداوند در سوره فاطر آیه (۱۸) می‌فرماید: "و هیچکس بار گناه دیگری را بدوش نگیرد و انکه بارش سنگین است اگر دیگری را هر چند خویش باشد کمک بر سبک‌باری خود طلبد ابدای باری از دوشش بر ندارد و تو ای رسول تنها انانرا که در خلوت و پنهانی از خدا می‌ترسند و نماز بپا می‌دارند توانی خدا ترس و پرهیز گار گردانی و هر کس خود را از کفر و گناه و اخلاق زشت پاک و منزله ساخت سود و سعادتش بر خود اوست و باز گشت همه بسوی خداست"

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات است. امر به معروف و نهی از منکر در حد ارائه دادن نظر در هر صورتی خیر می‌باشد. از انجایی‌که ما کامل نیستیم و انسان جایز الخطاست است نظر ما می‌تواند درست و یا غلط باشد همانطوریکه در اول این نوشته عرض کردم آنچه در اینجا عرض می‌کنم یک نظر برای روشن شدن حقیقت است می‌تواند درست باشد که باز جای تکامل دارد و یا می‌تواند غلط باشد. حال نظر خود را بدون تحمیل ، ارائه می‌کنم و اگر نظر خیر داشته باشم - درست یا غلط - کاری ثواب انجام داده و انشاءالله موجب رضایت خداوند و نکته مثبتی در آخرت نزد خدا است. اگر خدای ناکرده بخوادم نظر خود را تحمیل بکنم . تحمیل نظر من ظلم و مورد خشم خداوند است . اگر نظر من غلط باشد مسئولیتی در مورد عمل دیگری را قبول کرده‌ام . پس تحمیل عقائد خود بر دیگران راه جهنم برای شخص تحمیل کنند صاف خواهد کرد . با توجه به اینکه نمیدانم منظور اقایانی که خواستار صاف کردن جاده بهشت برای دیگران هستند دادن نظر خود به دیگران و یا تحمیل نظر خود بدیگران است ، و انشاءالله که منظور ایشان تحمیل نظر ایشان نیست . امر به معرف و نهی از منکر من به تمام مؤمنین این است که نظر خود را بر کسی تحمیل نکنند و آخرت خود را فدای منافع دنیایی ننمایند. خوب بخود و بد بخود کرده ایم و انشاءالله بخود بد نکنیم. خداوند در سوره بقره آیه (۲۵۶) می‌فرماید: " کار دین به اجبار نیست. راه هدایت و ضلالت بر همه روشن گردید پس هر که از راه کفر و سرکشی برگردد و براه ایمان و پرستش خدا گراید برشته محکم و استواری چنگ زده که هر گز نخواهد گسست و خداوند بهر چه خلق گویند و کنند شنوا و دانست"

هیچ قدرتی مگر قدرت خداوند نیست خداوند در سوره کهف آیه (۳۹) می‌فرماید: " تو چرا وقتی به باغ خود امدی، نگفتی که همه چیز به خواست خداست و جز قدرت خدا قوه ای نیست. اگر تو مرا از خود به مال و فرزند کمتر دانی، امید است خدا مرا بهتر از باغ تو بدهد و بر بوستان تو آتشی فرستد که باغت یکسره نابود و با خاک یکسان شود". خداوند قدرت خود را لحظه به لحظه بما عطا می‌فرماید. و لحظه به

لحظه مسائل افرینش را تدبیر می‌کند و همه کارهای خداوند از روی حکمت و مصلحت است. ما همه در هیچ بودن با هم برابریم ولیکن خداوند دوست ندارد که ما مثل هیچ با یکدیگر رفتار کنیم. خداوند در سوره الرحمن آیه (۳۹) می‌فرماید "انها را جز بحق و از روی حکمت و مصلحت نیافریدیم ولیکن اکثر مردم از ان آگاه نیستند" خداوند در سوره بقره آیه (۲۷۲) می‌فرماید: " ای رسول (بر تو دعوت خلق است) نه هدایت خلق، لیکن خدا هر که را خواهد هدایت کند شما هر اتفاق و احسانی کنید در باره خویش کرده‌اید و نایست اتفاق کنید جزء در راه رضای خدا و هر نیکی کنید از خداوند پاداش تمام بشما میرسد و هر گز بشما ستم نخواهد رسید".

خداوند است که بما ایمان عطا می‌کند و هر چه درجه ایمان ما بالاتر برود خداوند از قدرت خود با کیفیت بالا تری بما عطا خواهد فرمود. از این‌رو است که پیامبر ان، امامان و مؤمنان که درجه ایمان بالاتری دارند، از فهم بالاتری نیز برخوردارند. ما برای اینکه بفهمیم که در قران و کتب اسمانی دیگر چه نوشته شده و یا پیامبران و مومنان و امامان چه می‌گویند باید درجه ایمان خود را بالاتر ببریم. همیشه باید توازن درستی میان درجه ایمان ما و میزان علم ما وجود داشته باشد. اگر مطالعه کنیم، بدون اینکه درجه ایمان خود را بالاتر ببریم قادر بدرك علمی که انرا مطالعه کرده‌ایم نیستیم. انهایی که درجه علم خود را بالا می‌برند ولی درجه ایمان خود را بالا نمی‌برند علم را درك نمی‌کنند. در نتیجه عده‌ای گیج می‌شوند و عده‌ای بر می‌گردند، عده‌ای طوطی وار عمل می‌کنند و عده‌ای هم دکان درست می‌کنند. وظیفه همه مومنان است که ابتدا ایمان خود و بعد علم خود را گسترش دهند تا با درك درست اوامر خداوند هم بتوانند مومنان بهتری باشند و هم تحت تأثیر انانکه چنین نمیکنند قرار نگیرند.

در خاتمه همانطوری که در اهداف خود عرض کردم یکی از اهداف من یکپارچگی بندگان خداوند در چهار چوب تعالیم اوست. ایا اینکار را باید با تحکم عقائد خود بر بندگان خداوند انجام دهم و یا اینکه آنچه میدانم با اقتدا به پیامبران خداوند در اختیار عموم قرار دهم تا خود انتخاب کرده و تصمیم بگیرند. اجبار در دین نیست. اگر ما واقعا خواستار صاف کردن جاده بهشت خود و دیگران هستیم می‌باید در تکامل تقوای خود و دیگران با ارائه نظرات خود برای نقد و تفکر در کمال ازادی بکوشیم. که این نیز از اهداف دیگر من است. تقوای ما ترکیبی از ایمان، علم، وجود، دید، فکر، سخن و عمل ماست. تمام عوامل این ترکیب با توازن باید تکامل پیدا کند. این تکامل تنها در ازادی و با کمک خداوند میسر است. حضرت رسول اکرم می‌فرماید: " يك ساعت فکر کردن از هفتاد سال عبادت با ارزش تر است." فکر کردن باعث رشد فکری و تکامل ما می‌شود. انهایی که عقائد خود را بر دیگران تحمیل می‌کنند نه تنها حقی را که خداوند بر بندگان خود عطا فرموده را بناحق از ایشان سلب میکنند بلکه جلوی رشد فکر افراد را گرفته و از تکامل ایشان جلوگیری می‌کنند. نصیحت من به اینگونه افراد این است که اگر نظر مرا درست یاقتید چنین نکنید چون بخود بد کرده اید. هدف ما در زندگی باید نیکوکاری باشد و نه ظلم که موجب رضایت خداوند نیست.

حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید: " انهایی که مردم را به نیکوکاری دعوت می‌کنند ولیکن خود عمل نمی‌کنند مانند چراغی هستند که بدیگران نور میبخشند و خود می‌سوزند".

از خداوند بزرگ می‌خواهم که صاحب نظران در رد و یا تکمیل آنچه عرض کرده ام نظرات خود را ابراز کنند، تا بلطف پروردگار فهم بهتری از آنچه موجب رضایت خداوند است حاصل شود.

احمد علي مسعود انصاري